

دین‌داری و گفتمان تلویزیونی در ایران

عباس کاظمی*، مرتضی پروین**

(تاریخ دریافت ۹۰/۱۲/۰۶، تاریخ پذیرش ۹۱/۰۵/۲)

چکیده: مطالعه و تحقیق در باب شیوه‌ها و چگونگی امکان رمزگشایی از متون رسانه‌ای همواره یکی از مهمترین دغدغه‌های حوزه مطالعات فرهنگی بوده است. متغیرهایی نظیر طبقه اجتماعی، شغل، میزان درآمد و دسترسی گفتمانی در تحلیل‌ها مورد توجه بوده‌اند اما این متغیرها اگرچه در همه جوامع اهمیت دارند اما بر حسب زمینه‌های اجتماعی می‌توان متغیرهای تعیین‌کننده دیگری را هم به آن فهرست افزود. در مقاله حاضر ما این پرسش را به آزمون می‌گذاریم که متغیر دین‌داری تا چه اندازه می‌تواند در فهم و برداشت از متون رسانه‌ای تاثیرگذار باشد. به نظر ما شیوه‌های دین‌داری افراد به عنوان متغیر واسطه و تاثیرگذار در کنار متغیرهای مهمی چون دسترسی گفتمانی عمل می‌کند. برای آزمون ایده مورد نظر، ابتدا برنامه خبری ۲۱ تلویزیون را بررسی کردیم و سپس خوانش از این تولیدات خبری را در سه مصاحبه گروهی مجزا (معلمان، دانشجویان و طلاب) واری کرده‌ایم. نتایج نشان داد که شکلی خاص از دین‌داری یعنی دین‌داری رسمی به شدت با شیوه‌های خوانش افراد از متون تلویزیونی رابطه دارد. بنابراین تلویزیون از طریق تولیدات رسانه‌ای، افرادی را با خود هم عقیده می‌سازد که از پیش با آن رویکرد به مسائل نگاه می‌کردند. نقش تلویزیون نقشی تقویت‌کننده است و از سوی دیگر نتایج نشان داد که در ایران سازوکار رمزگشایی باید با نوع دین‌داری افراد در ارتباط قرار داده شود.

avk4@nyu.edu

morteza_parvizan20002000@yahoo.com

* هیأت علمی دانشگاه علم و فرهنگ

** کارشناس ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه کردستان

مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره سیزدهم، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۱، ص. ۲۵-۵۶

مفاهیم کلیدی: بازنمایی تلویزیونی، خوانش مرجح، رمزگذاری و رمزگشایی، دین‌داری، گفتمان مسلط، دسترسی گفتمانی.

مقدمه

فهم الگوهای رمزگشایی در متون تلویزیونی همواره موضوع چالش برانگیزی بوده است. پرسش اساسی وقتی آغاز شد که استوارت هال، الگوی تثبیت یافته نظریات بدینانه در مواجهه مخاطبان با رسانه‌ها را واژگون ساخت. هال به جای الگوی یک‌سویه و تک بعدی، نوعی مدل سه وجهی را پیشنهاد کرد^۱ و بدین ترتیب راه را برای فهم آسان‌تر از رمزگذاری و رمزگشایی باز کرد. بعد از هال تحقیقات زیادی عناصر و ابعاد مورد نظر خود را برای نشان دادن مشروط بودن خوانش و رمزگشایی مطرح کردند. در میان این عناصر می‌توان عناصر جنسیت، سن، طبقه و دسترسی گفتمانی را شناسایی کرد. ما در مقاله حاضر، قصد نداریم صرفاً تاریخ زندگی این کوشش‌ها را روایت کنیم بلکه می‌خواهیم آن کوشش‌ها را در زمینه اجتماعی جامعه خودمان بازخوانی کنیم به بیان دقیق‌تر، نویسندگان در پی پاسخ‌گویی به این پرسش هستند که تا چه اندازه عنصر مذهب درون منظومه‌ای از عناصر در ایران نقش دارد. در عین حال مفروضه ما تنها مهم دانستن متغیر مذهب در جامعه ایرانی نیست بلکه فرض کرده‌ایم که دین‌داری یا دست کم، اشکالی از آن می‌تواند سایر متغیرها را تابع خود سازد. به نظر می‌رسد که بدون توجه به شکل دین‌داری فهم درست الگوی رمزگشایی در ایران ممکن نمی‌شود. بنابراین، در این مقاله نشان خواهیم داد که دین‌داری افراد تا چه اندازه می‌تواند در رمزگشایی از متون تلویزیونی نقش داشته باشد.

از سویی دیگر، در میان همه تولیدات رسانه‌ای، تلویزیون در ایران نقش ویژه‌ای دارد. ایران اگرچه جامعه‌ای است که رسانه‌های مختلف چون رادیو، روزنامه، اینترنت و تلویزیون و... در آن حضور دارند اما در میان همه این رسانه‌ها، تلویزیون به عنوان تنها بازی کننده در شهر عمل می‌کند به این معنا که تلویزیون در مقایسه با سایر رسانه‌ها نه تنها در دسترس‌تر است بلکه به

۱. الگوی سه وجهی هال در مقاله معروف رمزگذاری و رمزگشایی او آمده است که در آن سه مدل خوانش موافقت جویانه، گفت و گویی و مخالفت جویانه را از هم تفکیک کرده است. سه وجهی دیدن خوانش، راه را بر تحول مطالعات رسانه‌ای باز کرده است. ما این ایده هال را در بخش نظری بیشتر توضیح خواهیم داد.

جرأت می‌توان گفت که قدرتی بدون رقیب است.^۱ این نکته وقتی با اهمیت می‌شود که به یاد آوریم تلویزیون‌های رقیبی هم برای تلویزیون دولتی در ایران وجود ندارد و تلویزیون دولتی نیز در عین حال ظهور گفتمان‌های متکثر را نمی‌دهد. بنابراین تولیدات فراگیر رسانه‌ای تنها در اختیار رسانه‌ای تک صدایی است. در اینجا پرسش ما در مطالعات فرهنگی برای فهم چگونگی مواجهه متفاوت در برابر رسانه‌ای تک صدایی معنادارتر می‌شود. با این حال اعتقاد نداریم که تلویزیون در شرایط نابرابری موجود در میان دسترسی به رسانه‌های دیگر تماماً می‌تواند افراد را به شیوه خود درآورد بلکه معتقدیم که تلویزیون بر روی افراد تاثیر واحد و مشخصی ندارد بلکه تنها «آنچنان را آنچنان‌تر می‌کند». به عبارت دیگر فرد معتقد به گفتمان رسمی را معتقدتر می‌سازد. این همان جایی است که ما ایستاده‌ایم و معتقدیم که افرادی که در دین‌داری رسمی از میزان بالاتری برخوردارند تعلق خاطر بیشتری هم به تلویزیون دولتی دارند. روشن است که، مهمترین رسانه ایران دولتی و تک صدایی است اما فضای رسانه‌ای در ایران هیچ گاه تماماً تک صدایی نبوده است و همیشه میدان برای مخاصمه و گفت و گو باز بوده است. برای مثال، اینترنت اگرچه در برخی موارد با فیلترینگ مواجه است اما به همان اندازه فیلترشکن‌ها نیز حضور دارند و ماهواره اگرچه ممنوعیت قانونی دارد اما برخی از مردم به مصرف آن علاقه دارند. این فضای متکثر و چندصدایی محدود که در ایران وجود دارد این موضوع را که مردم چگونه متون تلویزیونی دولتی را خوانش می‌کنند مهمتر کرده است. طبیعی است که عمل رمزگشایی برای آنانی که دسترسی‌های گفتمانی^۲ دارند و آن‌هایی که

۱. منظور از تنها بازی کننده در شهر، در دسترس تر بودن آن است. اگر به داده‌های پیمایش‌های ملی توجه کنیم ملاحظه خواهیم کرد که تلویزیون بیشتر از سایر رسانه‌های دیگر مورد استفاده قرار می‌گیرد. بنابراین ادعای بی رقیب بودن را از چند بعد می‌توان توضیح داد اول جایگاه و فاصله‌ای که تلویزیون به لحاظ مصرف در بین مردم در مقایسه با سایر رسانه‌ها چون روزنامه، کتاب، اینترنت دارد و دوم وجود تنها یک تلویزیون دولتی و فقدان سایر تلویزیون‌های غیر دولتی می‌تواند قدرت آن را نشان دهد به خصوص که توجه شود تلویزیون در بخش خبر که موضوع بحث ماست از طریق یک واحد مرکزی اداره می‌شود و تنوع شبکه‌ها هیچ ربطی به تولیدات خبرهای متفاوت ندارد. برای میزان مصرف تلویزیون در بین مردم در مقایسه با سایر رسانه‌ها، می‌توان به داده‌ها و نتایج پیمایش ملی تحولات فرهنگی ایرانیان ۱۳۸۳ (محسن گودرزی، سازمان تبلیغات اسلامی) نیز اشاره کرد. آمار دیگر نتایج سرشماری ۱۳۹۰ در کل کشور است که میزان مصرف تلویزیون را در مقایسه با سایر رسانه‌ها بسیار بالا ارزیابی کرده است.

۲. منظور ما از دسترسی گفتمانی وضعیتی است که برای یک فرد دسترسی به رسانه‌های متکثر با دیدگاه‌های مخالف وجود دارد. مثلاً فردی که بتواند اخبار را هم از تلویزیون داخلی و هم شبکه‌های ماهواره‌ای، اینترنت، روزنامه و منابعی

فقط به تلویزیون داخلی اکتفا می‌کنند متفاوت خواهد بود اما بنظر ما، سرمایه مذهبی افراد و نوع دین‌داری‌شان نیز به عنوان عنصر واسط حتی در زمینه دسترسی‌های گفتمانی متعدد حائز اهمیت است. مذهبی بودن دولت در ایران موجب پیوندی بنیادی میان رسانه و دین و الگوهای رمزگذاری شده‌است. متون رسانه‌ای در داخل، امروزه تا اندازه زیادی به نحوی دینی رمزگذاری می‌شوند و شیوه‌های رمزگذاری پیام به نحوی پیچیده با برداشت‌های سیاسی گروه‌های مسلط عجین شده‌است. اکنون ما این نکته را طرح می‌کنیم که اگر الگوهای رمزگذاری، تابع رمزگان‌های دینی باشند بی‌تردید الگوهای رمزگشایی نیز از آن متأثر خواهند بود.^۱

سازوکار رمزگشایی^۲ گفتمان رسانه‌ای

بسیاری از نظریات رسانه‌ای تا دهه ۶۰ قرن بیست، بر تاثیرپذیری یک‌سویه مخاطبان و قدرت بی-نظیر رسانه‌ها تاکید داشته‌اند. نظریات انتقادی مرتبط با مکتب فرانکفورت و نظریات فرهنگ توده‌ای در بریتانیا تنها بخشی از این دست نظریات هستند. چنین نظریه‌هایی با تکیه بر مدل خطی، رابطه میان فرستنده پیام و گیرندگان، موفقیت یک‌سویه ایدئولوژی مستتر در متن را مورد تأکید قرار داده‌اند. در نگاه فرانکفورتی‌ها فرایند رمزگشایی، کرداری انفعالی است و بدین ترتیب محتاج نقد ویرانگر است. در همین فرایند رمزگشایی است که ایدئولوژی متن فعالانه حضور دارد و نقش خود را بر خیال خواننده حک می‌کند. چنین فرایندی از خواندن در واقع موجب کنترل‌پذیری و درین‌شدن بیشتر خواننده می‌شود. از این منظر، هرچه بیننده یا خواننده خود را بیشتر درگیر متن می‌کند بیشتر در قفس ایدئولوژی گرفتار می‌شود. شاید بهترین تعبیر برای این رویکرد این باشد

«نظایر آن دنبال کند دارای دسترسی گفتمانی بیشتری است. اما وضعیتی تک صدایی وضعیتی است که فرد تنها بتواند به یک نوع رسانه یا چند نوع رسانه با ذائقه سیاسی یکسان دسترسی داشته باشد.

۱. این‌که رمزگان دینی خود به شدت تحت تأثیر تلویزیون است سخن درستی است اما درستی سخن مذکور نمی‌تواند نافی این باشد که ابزاری ساختن سخن دینی ذیل کدها و رمزگان تلویزیونی می‌تواند آن رمزگان را برای مخاطبان دیندار شنیدنی‌تر و موثرتر سازد. در عین حال فرض کلیدی ما این است که افرادی که از پیش دیندار رسمی هستند تمایل بیشتری به سخن تلویزیونی دارند. بنابراین رابطه میان دین‌داری رسمی و تلویزیون رابطه‌ای یکسویه نیست.

۲. دو مفهوم رمزگذاری و رمزگشایی از مفاهیمی رایج در مطالعات فرهنگی رسانه‌ای هستند. رمزگذاری فرایندی از بارگذاری معنا درون متون رسانه‌ای است که در نتیجه آن خواننده یا مصرف‌کننده آن متون ترغیب می‌شود متن را به گونه‌ای مشخص درک کند و منظور از رمزگشایی الگویی یا نحوه‌ای است که در عمل مخاطب با متن رسانه‌ای مواجه می‌شود و معنا را درون متن استخراج می‌کند.

که گفته شود شما به تلویزیون نگاه نمی‌کنید بلکه تلویزیون به شما نگاه می‌کند (یا از طریق تلویزیون نگاه می‌شوید).

اکنون اگر بخواهیم این گونه طرز تلقی را به نحوی آلتوسری توسعه دهیم باید بگوییم که ما بینندگان تلویزیونی به سوژه‌هایی تبدیل شده‌ایم که به نمایندگی از تلویزیون و از دریچه تلویزیون به جهان نگاه می‌کنیم. ایدئولوژی یک چیز مشخص و تحمیلی در بیرون نیست بلکه به نحوی عمل کرده است که عاقبت در دل و جان ما لانه کرده است. از این منظر، ایدئولوژی‌ها تنها اشتباهات و خطاهای ما در فهم برخی از مسائل نیستند بلکه اساساً آگاهی ما ساخته و پرداخته آن‌ها است به گونه‌ای که مناسبات آدمیان را شکل می‌دهند. همین جا مفهوم استیضاح^۱ از نظر آلتوسر معنادار می‌شود. از نظر او به واسطه شیوه‌های سخن گفتن، افراد فراخوانده می‌شوند، یعنی افراد در موقعیت‌های مختلف سخن‌گویی قرار می‌گیرند و مجبورند به طرزی خاص سخن بگویند (یورگنسن و فیلیپس، ۱۳۸۹: ۴۰). اما نظریه بازتولید آلتوسر با این نقد اساسی مواجه است که فرآیند بازتولید مناسبات اجتماعی موجود توسط نهادهای ایدئولوژیک مانند تلویزیون را کاملاً جبرگرایانه در نظر می‌گیرد به طوری که هیچ امکانی را برای مقاومت در نظر نمی‌گیرد (رضایی، ۱۳۸۷). در این نظریات جبرگرایانه در تحلیل رابطه نهادهای اجتماعی و فرآیند بازتولید به تکرار گفتمان‌های موجود در این نهادها و ابهام‌های درونی خود گفتمان‌ها و کشمکش دائم میان گفتمان‌های مذکور و امکانی که این کشمکش برای مقاومت ایجاد می‌کند توجه کمی شده است (یورگنسن و فیلیپس، ۱۳۸۹: ۸۹).

به همین دلیل محققان به سمت گرایشی که امکان بیشتری برای مقاومت فراهم سازد میل پیدا کردند. این گونه بود که مفهوم هژمونی از این پس در کانون توجه مطالعات خوانش و رمزگشایی قرار گرفت. هژمونی در مطالعات فرهنگی به فرآیندی اشاره دارد که براساس آن طبقات فرودست به نظامی که موجب فرودستی شان شده است به نحوه ارادی تن می‌دهند. این تن دادن باید فرآیندی دائمی باشد چرا که تجربه زندگی روزمره مردم به آن‌ها دائماً مضرات فرودستی شان را یادآور می‌شود و از این رو موقعیت فرودستی و فرادستی دائماً به مناقشه کشیده می‌شود و برخلاف آنچه آلتوسر فکر می‌کرد این موقعیت، محتاج ترمیم مستمر است. در دیدگاه آلتوسر تصور می‌شد که ایدئولوژی دولت و دستگاه‌های ایدئولوژیک، قدرت

1.interpellation

بسیاری بر سرکوب دارند. اما مفهوم هژمونی، تضادی دائمی را بین ایدئولوژی و طبقه حاکم مفروض می‌گیرد و در این نظریه، ایدئولوژی همواره با نیروهای مقاومت رویاروست. در نتیجه ایدئولوژی نه تنها باید قدرتش را توسعه دهد بلکه باید مراقبت کند تا احاطه‌اش را بر قلمروهایی که قبلاً استعمار کرده از دست ندهد (فیسک، ۱۳۸۱: ۱۲۵).

دیدگاه گرامشی نیز اگرچه در تبیین چگونگی تکوین ذهنیت سوژه‌های اجتماعی، امکانات فراوانی را فراهم ساخته است اما با دو مشکل ذات‌گرایی و جایگاه موکد مفهوم ایدئولوژی در اندیشه خود مواجه است (رضایی، ۱۳۸۷). اکنون پروژه گرامشی در مسیری دیگر افتاده است و لاکلاو^۱ و موفه^۲ در نظریه سازه‌گرایی^۳ خود کوشیدند تا با تعدیل مفهوم هژمونی آن را از ذات-گرایی رها سازند. چنین تعدیلی زمینه‌گذار از ایدئولوژی به مفهوم گفتمان را در مطالعات فرهنگی را ممکن ساخته است. لاکلاو و موفه با تکیه بر گرامشی درصدد طرح نظریه‌ای هستند که خود آن را رویه دموکراتیک هژمونی^۴ می‌خوانند. نگرش آنان به سوژه همانند نگرش آلتوسر است، به استثنای اینکه آن‌ها وجود روابط واقعی میان مردم را که در اثر عوامل اقتصادی و ایدئولوژیک مخدوش شده باشد- آن‌گونه که مدتظر آلتوسر است- نمی‌پذیرند.

رویکرد نظریه گفتمان برای این که از شیوه آلتوسر که قائل به اولویت ساختار بر عاملیت است فراتر رود، معتقد است که کنش‌های سوژه‌ها به خاطر مشروط‌بودن آن هویت‌هایی که افراد خودشان را با آن‌ها می‌شناسند ممکن می‌گردد. بنابراین، زمانی که مشروط و حدوثی‌بودن هویت سوژه‌ها آشکار می‌شود، آن‌ها به شیوه‌های مختلف واکنش نشان می‌دهند. این زمانی اتفاق می‌افتد که آشوب اجتماعی یا اقتصادی فراگیری حاصل می‌شود یا چنین آشوب‌هایی موجب می‌شوند تا سوژه‌ها احساس بحران هویت کنند. در چنین شرایطی، سوژه‌ها تلاش می‌کنند تا از طریق مفصل‌بندی^۵ و تعیین هویت با گفتمان‌های آلترناتیو^۶، هویت و معانی اجتماعی خود را بازسازی کنند. در نظریه‌ی گفتمان، مردم توسط گفتمان‌ها فراخوانده می‌شوند و سوژه‌ها را باید به مثابه موقعیت‌های سوژه در یک ساخت گفتمانی فهم کرد (یورگنسن و فیلیپس، ۱۳۸۹: ۷۸).

1. Ernesto Laclau

2. Chantal Mouffe

3. Constructivist

4. Democratic Practice of Hegemony

5. Articulation

6. Alternative

تأثیر لاکلاو و موفه بر مطالعات فرهنگی سبب شد تا حال مفهوم گفتمان و ایدئولوژی را در کنار یکدیگر به کار ببرد. شاید بهترین تعبیر از تلاش وی این باشد که حال با مفهوم گفتمان درصدد حل معضلات مفهوم ایدئولوژی است بدون آن که از بار انتقادی این مفهوم بکاهد. وی در برداشت خود از ایدئولوژی، تحت تأثیر لاکلاو و موفه است و تلاش کرده است تا مفهوم ایدئولوژی را از قید دوالیسم امر واقعی / امر کاذب؛ اذب/حقیقی و تعین طبقاتی خلاص کند (رضایی، ۱۳۸۵: ۱۴۰). او با انتقاد از نظریه‌های ارتباطی یک‌سویه که نقش عنصر انسانی را نادیده می‌گیرند، بر سیاسی‌بودن، متقابل بودن و خلاقیت مصرف‌کننده تأکید می‌کند. او جریان ارتباطات را جریانی در درون نهادها و گفتمان‌های قدرت می‌داند. واقعیت، خارج از زبان است اما دائماً از طریق زبان و در درون آن عمل می‌کند و بنابراین هیچ فهمی بدون عملکرد رمزا وجود ندارد (هال، ۱۳۸۲: ۳۴۳).^۱

از نظر هال موقعیت خوانش، موقعیتی سه وجهی است: فرد موافق خوانی، مخالف خوانی یا تعدیل خوانی می‌کند. هال این چنین، خوانش یک وجهی در مکتب فرانکفورت را به خوانشی سه وجهی بدل کرده است. در واقع هال در نظریه تحلیل مخاطب، از تأکید یک‌جانبه بر متن فاصله گرفت و به تحلیل روابط پیچیده و پویای متن با خواننده یا بیننده تأکید کرده است. معنا در فرآیند مبادله میان خواننده، بیننده یا متن و برداشت‌هایی که از این مبادله برای مخاطب حاصل می‌گردد خلق می‌شود. این البته نه نقطه پایان بلکه نقطه شروع برای مطالعات خوانش بوده است. داستان به شکل دیگری ادامه می‌یابد، کافی نیست ما نشان دهیم که متون رسانه‌ای تنها یک خوانش را تحمیل نمی‌کنند یا خوانندگان توان مقاومت دارند بلکه اکنون مهم این بود تا نشان دهیم که در چه شرایطی افراد به خوانش‌های متفاوت و در چه شرایطی به خوانش‌های موافق

^۱ . استوارت هال چرخه معنا را در گفتمان تلویزیون به سه قسمت تقسیم می‌کند (استوری، ۱۳۸۶: ۳۱۳۳) ابتدا دست اندرکاران رسانه‌ها یک واقعه و رویداد اجتماعی پردازش‌نشده را به صورت گفتمان معنادار تلویزیونی می‌سازند، در این قسمت ایدئولوژی نقش اصلی را بازی می‌کند و بدین‌سان، دست‌اندرکاران رسانه‌ها نحوه رمزگذاری هر رویداد خام اجتماعی را در گفتمان مشخص می‌کنند. در دومین مرحله، قواعد صوری و گفتمان بر رویداد خام اجتماعی تسلط می‌یابند. در سومین مرحله، مخاطبان از برنامه تولیدشده رمزگشایی می‌کنند. در این مرحله، مخاطب با یک ترجمان گفتمانی از رویداد خام روبه‌رو می‌شود. در واقع، معانی و پیام‌ها به مخاطبان منتقل نمی‌شوند، بلکه به نوعی توسط مخاطبان تولید می‌شوند که با توجه به جایگاه مخاطب تولید می‌شود. هر فرد یا گروه می‌تواند شیوه‌های رمزگشایی متفاوتی را در ارتباط با عناوین و بافت‌های مختلف به کار گیرد. تولید پیام معنادار در گفتمان تلویزیونی همواره کاری غامض است. یک رویداد واحد را می‌توان به چندین شکل رمزگذاری و البته رمزگشایی کرد.

دست می‌زنند. در عین حال باید معلوم می‌شد که آیا تفاوت‌های جنسیتی، سنی، طبقاتی و... در مخاطبان بر شیوه خوانش تاثیر دارد؟

تحقیق دیوید مورلی^۱ با عنوان مخاطبان برنامه تلویزیونی نشین واید^۲ (۱۹۸۰) و دوروتی هابسون^۳ (۱۹۸۲) با عنوان چهار راه^۴: درام سریال‌های آبکی که در مورد سریال تلویزیونی چهار راه بود، از اولین کارهای تجربی بودند که مدل هال را تأیید کردند. مورلی دو شیوه تحلیل نشانه‌شناسی و جامعه‌شناسی را در تحقیقات خود به کار می‌گیرد و با مطالعه خوانش‌های مخاطبان، به این نتیجه رسید که رمزگشایی «مستقیماً بر حسب جایگاه طبقه اجتماعی» تعیین نمی‌شود، بلکه «قرائت همواره برآیند جایگاه اجتماعی به‌علاوه جایگاه‌های گفتمانی خاص است». قرائت واجد ساختار است، زیرا ساختار دسترسی به گفتمان‌های متفاوت را جایگاه اجتماعی تعیین می‌کند. مورلی همچنین معتقد بود که سوژه اجتماعی همواره توسط شماری از گفتمان‌ها مورد پاسخ‌خواهی قرار می‌گیرد که برخی هم‌سو هستند و یکدیگر را تقویت می‌کنند، برخی نیز با هم مغایرت دارند، در این حالت اخیر، گفتمان‌های مذکور یا پاسخ‌خواهی سوژه را مسدود می‌کنند یا این که پاسخ‌خواهی موفقیت‌آمیز او را از گفتمان‌های دیگر متأثر می‌سازند (استوری، ۱۳۸۶: ۵۴). نتایج تحقیقات هابسون (۱۹۸۲) نیز بر اهمیت بود، وی با بررسی سریال‌های تلویزیونی، معتقد شد که بخش بزرگی از آنچه مخاطبان راجع به تلویزیون می‌گویند، حاصل اندیشه و عقایدی است که پیش از تماشای هر برنامه دارند و به آن عمل می‌کنند. پیام منحصرأ در متن نیست، بلکه مخاطبان با تفسیر خودشان از هر برنامه‌ای می‌توانند آن پیام را تغییر دهند یا روی آن کار کنند. بنابراین مخاطبان از پیش چیزی با خود دارند و با آن‌ها با متن روبرو می‌شوند. هابسون اعتقاد دارد که بینندگان از رویدادهای روایت تلویزیونی برای تفحص درباره مسائل زندگی خودشان استفاده می‌کنند. وقایع و موضوعاتی که در برنامه‌های تلویزیونی به آن‌ها پرداخته می‌شود، غالباً زمینه‌ای فراهم می‌کنند تا افراد در خصوص مطالبی بسیار گوناگون با یکدیگر بی‌پرده تبادل نظر کنند. لیس^۵ و ایلایهو کتس^۶ (استوری، ۱۳۸۵: ۳۶) نیز در تحقیقات خود به این نتیجه رسیدند که بینندگان از سریال‌های داستانی همچون وسیله‌ای برای صحبت کردن درباره زندگی خود استفاده

1. Morely
2. Nationwide Audiences
3. Dorothy Hobson
4. Crossroads
5. Tamar Leibes
6. Elihu Kats

می‌کنند. نگرانی‌های ایشان در خصوص خانواده، مسائل اجتماعی، وضعیت زنان و سایر موضوعات مشابه، در واکنش به این برنامه‌ها احیا می‌شود و می‌توان گفت که در نتیجه رمزگشایی از این برنامه‌ها از طریق جرح و تعدیلی که بین فرهنگ بینندگان و تولیدکنندگان برنامه‌ها صورت می‌گیرد، موضوعاتی خاص در دستور تبادل نظرهای روزمره مردم قرار می‌گیرد.

تا این‌جا روشن شد که رابطه بین متن و مخاطبان رابطه‌ای یک‌سویه نیست (مک کوایل، ۱۳۸۰: ۳۵). مخاطبان بسته به زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی شان قرائت‌های متفاوتی از متن دارند و لذا در بر ساختن معنای متن نقش فعالی ایفا می‌کنند. فرض فعال بودن مخاطبان و تکثر قرائت‌ها، اصلی‌ترین فرض پژوهش حاضر است. بدین معنا که ما معتقدیم گر چه اخبار تلویزیونی ایران می‌کوشند معانی، ایده‌ها و ارزش‌های خاصی را مرجح سازند، لیکن مخاطبان به دلیل قرار گرفتن در زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی متفاوت و دسترسی به گفت‌مان‌های دیگر، خوانش‌های متفاوتی از این اخبار دارند. از سوی دیگر فرض فعال بودن مخاطب همواره به معنای خوانش متفاوت نیست خواننده فعال می‌تواند خوانشی همسو را نیز ارائه دهد و همین‌طور ما فرض می‌کنیم که این فعال بودن وضعیتی بالقوه است و نه بالفعل. یعنی ممکن است در شرایطی با مخاطبانی غیر فعال و منفعل نیز روبرو بشویم. همین پیچیدگی است که نحوه خوانش افراد را مشروط به موقعیت‌ها و دسترسی‌ها می‌کند.

در ایران مطالعات خوانش در سطح وسیعی انجام شده است اما مطالعاتی که در بستر سنت مطالعات فرهنگی در چارچوب پیشنهادی هال و دنباله روان او انجام شده باشند به انگلستان دست نمی‌رسند. از جمله می‌توان به کار جمال محمدی (۱۳۸۷) با عنوان مخاطبان و برنامه‌های تلویزیونی (قرائت‌های زنان از مجموعه تلویزیونی پرواز در حباب) اشاره کرد. محمدی در این مقاله به بررسی تفسیرها و تلقی‌ها و رمزگشایی زنان از مجموعه‌ی تلویزیونی پرداخته است و به دنبال تحلیل این مسئله بود که معنا در فرآیند تولید و مصرف مجموعه‌های تلویزیونی چگونه بر ساخت می‌شود نتیجه تحقیق محمدی این بود که زنان تماشاگر، ارزش‌های مرجح تلویزیون را به شکل وارونه‌ای خوانش می‌کنند. از کارهای دیگر در این حوزه می‌توان به پژوهش محمد رضایی (۱۳۸۶) با عنوان بازنمایی و ذهنیت‌ها: تحلیلی از زندگی روزمره دانش‌آموزان در مدارس تهران اشاره کرد. رضایی در این مقاله کوشیده است تا نحوه‌ی حضور نهادهای ایدئولوژیک نظیر آموزش و پرورش در مدارس و خلاقیت دانش‌آموزان در مصرف فضای ایدئولوژیک را بررسی کند. رضایی و کلانتری (۱۳۹۰) در مقاله دیگری با عنوان خوانش مخاطبان سریال‌های فارسی

وان، نشان دادند که خوانش در متنی از تعارضات خانوادگی اتفاق می‌افتد. در واقع زمینه‌ای اجتماعی و خانوادگی که زنان در آن زندگی می‌کنند پیوندی ظریف میان فیلم و زندگی برقرار می‌کند که در خوانش خود را نشان می‌دهد. در همه این دست کارها تلاش شده تا که بر طبق فرض اصلی در سنت مطالعات فرهنگی و کارهایی که در این حوزه انجام شده نوع رمزگشایی افراد از برنامه‌های تلویزیونی یا متون خبری را بر اساس فاکتورهایی مانند سن، جنس، طبقه، و دسترسی‌های گفتمانی افراد توضیح داده شود. ولی در این کارها بنا به دلایلی به نقش پررنگ مذهب در زندگی روزمره ایرانی و تأثیر مذهب بر نوع قرائت افراد از متون تلویزیونی هیچ توجهی نشده یا اگر هم شده بسیار کم بوده است. بنابراین، مطالعه ما می‌تواند حیطه جدیدی را برای این دست مطالعات فراهم سازد. در این مقاله تلاش بر این بوده است که به بررسی تأثیر عامل مذهب علاوه بر دسترسی‌های گفتمانی مخاطبان پرداخته شود.

همان طور که گفته شد ما هم معتقدیم که مخاطب با توجه به جایگاه سوژه‌ای و دسترسی‌های گفتمانی، خوانش‌های متفاوتی از پیام‌های تلویزیونی دارد. اما در ایران این فرض را کمی متفاوت باید در نظر گرفت، زیرا به علت بستر اجتماعی دینی جامعه ایران و حاکمیت دینی و از سویی دیگر، دولتی بودن همه رسانه‌ها و شبکه‌های تلویزیونی، وضعیت طوری دیگر است. گفتمان حاکم در ایران می‌کوشد مخاطب را با توجه به نقش دین در جامعه و از طرفی غیر قانونی کردن دسترسی به گفتمان‌های دیگر (مانند جمع آوری دیش‌های ماهواره‌ها یا فیلتر کردن سایت‌های اینترنتی)، در جایگاه خوانش آرمانی قرار دهد، اما از طرفی با توجه به متفاوت بودن شکل و درجه مذهبی بودن مردم و دسترسی‌های گفتمانی هر چند محدود، مخاطبان رمزگشایی‌های متفاوتی از برنامه‌های تلویزیونی در ایران دارند.

روش پژوهش

پژوهش حاضر به کمک روش کیفی و تکنیک مصاحبه گروهی انجام شده است. انتخاب افراد بر اساس متغیرهای طبقه، سن، گرایش‌های مذهبی و دسترسی‌های گفتمانی بوده است. همین طور برنامه خبری ساعت ۲۱ شبکه یک صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران را به مدت یک هفته مورد مطالعه قرار دادیم و بعد قسمت‌هایی از خبرها را که به نوعی رمزگان گفتمان مسلط در آنها بیشتر تأکید شده بود برای مخاطبان پخش کردیم. متأسفانه متغیر جنسیت در این مقاله به دلیل مشکلاتی که در انجام مصاحبه وجود داشته است

مورد توجه نبوده است اما متغیری که روی آن متمرکز شدیم دین‌داری بود. ما سه نوع تیپ در ارتباط با دین‌داری را از پیش مشخص کردیم و این افراد را از هم متمایز نمودیم: دین‌داری رسمی، دین‌داری غیررسمی، و افراد غیردین‌دار. سپس خوانش افراد با تکیه بر این متغیر مورد نظر قرار گرفت. گروه‌هایی که با آن‌ها بحث گروهی متمرکز انجام شده عبارتند از: طلاب، معلمان و دانشجویان، که در هر مصاحبه با ۷ نفر از اعضای هر یک از این تیپ‌ها مصاحبه گروهی انجام شد. هر سه گونه‌ای که انتخاب شدند از گروه‌های عمده فرهنگی جامعه محسوب می‌شوند اما با توجه به بافت اجتماعی، دسترسی گفتمانی متفاوتی دارند. از سویی دیگر این سه گروه به لحاظ موقعیت شغلی، وضعیت مذهبی هم در زمینه‌های متفاوتی هستند. در واقع، دانشجویان به عنوان بخشی از جامعه فرهنگی کشور به دلایل خاصی، نسبت به سایر اقشار دسترسی بیشتری به جامعه در فضای رسانه‌ای دارند. طلاب به این دلیل انتخاب شدند که دارای بالاترین میزان سرمایه مذهبی در سه گروه مزبور در جامعه می‌باشند. همین امر سبب می‌شود تا تأثیر مذهب بر نوع رمزگشایی از گفتمان تلویزیونی بهتر قابل توضیح باشد. معلمان نیز گروهی فرهنگی در جامعه محسوب می‌شوند که تفاوت عمده شان با دانشجویان در متغیر شاغل بودن و احتمالاً وابستگی بیشترشان به نظام دولتی است. در عین حال این احتمال می‌رفت که معلمان در مقایسه با دانشجویان سنت‌گراتر و محافظه‌کارتر باشند. به این دلیل گمان کردیم این گروه می‌توانند در میانه دو گروه طلبه و دانشجو جای گیرند.

پیش از انجام هر مصاحبه گروهی، پرسشنامه‌ای تنظیم شد که در ابتدا متغیرهای مهمی چون سطح تحصیلات و دسترسی رسانه‌ای آن‌ها را می‌سنجید همین‌طور با کمک همین پرسشنامه، دین‌داری افراد را بر مبنای مدل سنجش دین‌داری که در کار محققان پیشین (کاظمی و فرجی، ۱۳۸۹) استانداردسازی شده بود سنجیده‌ایم.^۱ سپس نتایج این داده‌ها در گونه‌شناسی افراد مطالعه شده به کار گرفته شدند.

یافته‌های تحقیق

در میان متون تلویزیونی، خبر جایگاه و حساسیت خاصی دارد. به نحوی که علی‌رغم شبکه‌های متعدد داخلی در تلویزیون تنها یک سازمان برای تولید خبر وجود دارد و همه شبکه‌ها از یک

^۱. گزارش نتایج پرسشنامه برای این مقاله اهمیتی ندارد ما تنها از نتایج برای دسته‌بندی درون گروهی و شناخت تفاوت در میزان دین‌داری استفاده کردیم.

منبع خبر دریافت و پخش می‌کنند. بنابراین امکان این که تنوع در رمزگان و محتوای ایدئولوژیک وجود داشته باشد تقریباً غیرممکن است. رمزگشایی متن خبر در مقایسه با سایر متون تلویزیونی از کمترین قابلیت چند معنایی بودن در درون خود برخوردار است. اما همان‌طور که گفته شده مخاطبان از پیش با دارایی‌های مختلف اجتماعی و مذهبی‌شان با متون رسانه‌ای رویاروی می‌شوند. دارایی‌های مذهبی در این مقاله از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده است. از یک‌سو، تلویزیون حداکثر توان خود را در به کارگیری رمزگان مذهبی در متن به کار می‌گیرد و از دیگرسو، مخاطبان با دارایی‌های مذهبی در گردش خود رنگ تازه‌ای به آن متون می‌زنند یا خود را هم‌رنگ آن درک می‌کنند.

ما برای تحلیل رمزگان مسلط برنامه خبری، اخبار ساعت ۲۱ شبکه یک را انتخاب کردیم و به مدت یک هفته اخبار ضبط شدند و در نهایت رمزگان مسلط در آن استخراج شدند. در نظرسنجی‌ای که از سوی مرکز تحقیقات صدا و سیما انجام شد، اخبار ساعت ۲۱ شبکه اول سیما با ۵۹/۵ درصد، پربیننده‌ترین بخش خبری انتخاب شد (نظرسنجی فصلی درباره‌ی صدا و سیما، ۱۳۸۹). از ویژگی‌های این برنامه خبری این است که در ساعتی پخش می‌شود که بیشتر مردم در منزل هستند بنابراین بیشترین میزان مخاطب را می‌تواند به خود اختصاص دهد. پس از ضبط اخبار و تحلیل اولیه بر آن‌ها، قسمت‌هایی از این اخبار را برای مصاحبه‌شوندگان پخش کردیم. اما پیش از آن برخی از رمزگان مسلط در متن خبر بدین صورت فهرست برداری شده‌اند:

- بازنمایی پیشرفت روزافزون در کشور.
- تأکید بر الهی‌بودن حکومت جمهوری اسلامی و حق‌بودن ما.
- زوال و فروپاشی غرب در مقابل پیشرفت‌های ما.
- تجاوزگر و ظالم‌بودن آن‌ها (آمریکا، اسرائیل، غرب).
- اسلامی‌بودن انقلاب ایران و تلقی این انقلاب به مثابه بیداری و آگاهی مردم.
- توطئه جهانی آمریکا برای تأمین منافع صیہونیست‌ها.
- وخیم جلوه‌دادن وضعیّت بحرین نسبت به دیگر کشورهای منطقه و دست‌داشتن آن‌ها (آمریکا، اسرائیل، غرب) در بدترکردن وضعیّت کشورهای عربی.
- حکومت بحرین دست‌نشانده آن‌هاست (آمریکا، اسرائیل، غرب).
- ماهیت ضدآمریکایی اعتراضات منطقه.
- نقش انقلاب اسلامی در بیداری کشورهای عربی.
- وجود ائتلاف ضدایرانی در جهان به رهبری آمریکا.

همان‌طور که گفته شد، بخش‌های از خبر برای افراد در جلسه پخش شد و آن‌ها پس از نمایش خبر به تحلیل و تفسیر آن پرداختند. در ادامه خوانش سه گروه از جامعه مورد مطالعه به تفکیک عرضه می‌شود.

جدول شماره ۱. مشخصات زمینه‌ای معلمان مشارکت‌کننده در بحث گروهی متمرکز ۱

کد معلم‌ها مشخصات معلم‌ها	A	B	C	D	E	F	G
سن	۲۹	۴۵	۳۶	۲۶	۳۶	۳۲	۳۸
میزان درآمد	۶۳۵۰۰۰	۷۰۰۰۰	۴۸۰۰۰۰	۳۸۰۰۰۰	۴۵۰۰۰۰	۸۵۰۰۰۰	۵۰۰۰۰۰
استفاده از ماهواره	خیر	خیر	بلی	بلی	خیر	خیر	خیر
استفاده از اینترنت	بلی	بلی	بلی	بلی	بلی	بلی	بلی
خواندن روزنامه	خیر	بلی	بلی	بلی	خیر	بلی	بلی
نماز خواندن	بلی	بلی	خیر	خیر	بلی	بلی	بلی
مسجد رفتن	بلی	خیر	خیر	خیر	بلی	بلی	بلی
شرکت در مراسم مذهبی	بلی	خیر	خیر	خیر	بلی	خیر	بلی
شرکت در تظاهرات و راهپیمایی‌ها	بلی	خیر	خیر	خیر	بلی	خیر	بلی
شرکت در نماز جمعه	بلی	خیر	خیر	خیر	بلی	خیر	بلی
سطح تحصیلات	کارشناسی	کارشناسی ارشد	کارشناسی	کارشناسی	کارشناسی	کارشناسی	کارشناسی

قرائت‌های معلمان

معلمان در جایگاه پرمنازعه‌ای قرار گرفته‌اند از یک سو بر مبنای متون درسی، قرائت رسمی و یک‌دستی را آموزش می‌دهند و خودشان نیز بر اساس فیلترهای سخت استخدام شده‌اند و از دیگر سو آن‌ها به هیچ وجه گروه‌های یک‌پارچه و یک‌دست و با عقاید مشابه نیستند و می‌توان خوانش‌های متکثری میان آن‌ها یافت. مصاحبه گروهی ما با معلمان در اواسط اردیبهشت ۱۳۹۰ با حضور ۷ نفر از معلمان در منزل یکی از آن‌ها صورت گرفت. به طور کلی، پایین‌ترین سطح درآمد معلمان ۳۸۰.۰۰۰ تومان در ماه و بالاترین سطح درآمد ۸۵۰.۰۰۰ تومان بوده است. غالب آن‌ها به جز یکی (کارشناسی ارشد) دارای مدرک کارشناسی بوده‌اند، همه از اینترنت استفاده می‌کرده‌اند اما استفاده از ماهواره و روزنامه میان آن‌ها متفاوت بوده است. در زمینه رفتارهای مذهبی این تنوع بیشتر مشاهده می‌شود. براساس سنجشی که از این نظر به وسیله پرسشنامه صورت گرفت، شرکت در تظاهرات و در نماز جمعه به عنوان دارایی‌های اجتماعی مذهبی همراهی بیشتری با خوانش‌های مسلط داشته است. متغیر درآمد در بین معلمان قابل اعتنا نبوده است (از نظر ما، درآمد متغیر سودمندی برای تحلیل اقشار فرهنگی نیست).

جدول شماره ۲. مشخصات سیاسی و فرهنگی و مذهبی معلمان شرکت کننده

غیردین‌دار (C,D)	دین‌دار غیررسمی (B,F)	دین‌دار رسمی (A,E,G)	تیپ‌های اجتماعی
			مشخصات سیاسی فرهنگی
مخالفم	مخالفم	موافقم	نظرشما درباره تحلیل‌های سیاسی‌ای که توسط روحانیون در مساجد و هیئت‌ها ارائه می‌شود.
کم	گاهی اوقات	بلی	تماشای اخبار ساعت ۲۱ شبکه یک
همیشه	گاهی اوقات	خیر	پیگیری اخبار ماهواره‌ای، بی‌بی‌سی یا صدای آمریکا و..
خیر	تا حد د	بلی	رابطه‌ی بین دین و سیاست
خیر	باشه بهرتره	بلی	الزام دین‌داری سیاست‌مداران

بر مبنای نتایج داده‌های پرسش‌نامه اولیه که پاسخگویان پر کرده‌اند سه تیپ دین‌داری از هم تفکیک شده‌اند بنابراین می‌توان بر حسب تفاوت در دین‌داری دیدگاه‌های مختلف را سنجید. در سطر اول این جدول مشاهده می‌شود که دین‌داری رسمی نقش تعیین‌کننده‌ای با موافقت از خوانش مسلط دارد. همین‌طور آن‌ها بیش از دیگران برنامه خبری تلویزیون را تماشا می‌کنند و بیشتر از دیگران با آن‌ها موافق‌اند.

بخشی از اخباری که برای این گروه پخش شد، به سخنرانی آقای احمدی‌نژاد در مرقد امام خمینی (ره) مربوط می‌شد. بحث را با این سؤال شروع کردیم که تا چه حد سخنان آقای احمدی‌نژاد درباره پیشرفت ایران در جهان و اوضاع ایران را مطابق با امر واقع می‌دانید؟ ابتدا G بحث را شروع کرد.

«این همه پیشرفت واقعاً جای خوشحالی بسیار است ولی نباید فراموش کنیم که شهدا و امام خمینی بیشترین نقش را داشته‌اند که ما امروز به این جا رسیده‌ایم و پیوند بین مردم و ولایت همیشه پشتیبان پیشرفت‌های ما خواهد بود».

کد (C) بلافاصله نسبت به اظهارات کد (G) واکنش نشان داد:

«تعداد و کمیت مهم نیست، مهم میزان تولیدات ماست که آن هم خیلی کم است و این مقدار کم هم در زمینه مواد خام می‌باشد و چون ما نمی‌توانیم از این مواد خام استفاده کنیم آن را به کشورهای اروپایی صادر می‌کنیم و دوباره صنایع تولیدشده از این مواد خام را با قیمت بسیار بالا از این کشورها وارد می‌کنیم».

کد (B):

«به نظر من در زمینه ایجاد علوم هم موفق بودیم. در زمان‌های قبل که کشورهای اروپایی در خواب قرون وسطایی سر می‌کردند ما دانشمندان بسیاری داشتیم. آن‌ها آمدند علم ما رو دزدیدند و در کشور خودشان پرورش دادن و چون که ما نتوانستیم درست از علم استفاده کنیم از اروپا عقب ماندیم».

کد (D) با لحنی عصبانی شروع به نقد همه صحبت‌ها کرد:

« شما از کدوم پیشرفت حرف می‌زنید فقط در جامعه مدرک‌گرایی رشد کرده نه علم، ما هیچ تولیدی نداریم که به اروپا صادر کنیم. اگر صادراتی هم داریم در عرضه مواد اولیه است».

سپس کد (A) در اعتراض به صحبت‌های کد (D) گفت:

«به نظر من این بی‌انصافی که ما پیشرفت‌ها رو نادیده بگیریم شما فقط کافیه نسبت به سال‌های قبل مقایسه کنید. ما باید صبر داشته باشیم».

کد (F) علاوه بر تأیید صحبت‌های کد (D) شروع به نقد صحبت‌های کد (A) کرد:

«پیشرفتی که شما از اون حرف می‌زنید یه پیشرفته طبیعی بوده که همه کشورهای جهان این پیشرفت رو می‌کنند و یه چیزی طبیعی و سیر تکاملی خودشو داره چه با برنامه و چه بی‌برنامه. نمیشه که با زیاد کردن کمی تعداد دانشگاه‌ها بگیریم پیشرفت کردیم مهم کیفیت نه کمیت»^۱.

کد (E) در واکنش به صحبت‌های کد (F) شروع به صحبت کرد:

«اگر سرعت پیشرفت‌مان کمی کند بوده به خاطر تحریم‌های غرب و امریکا بوده، از طرفی آن‌ها در مسائل داخلی کشور ما دخالت می‌کنند و سعی می‌کنند با فریب تعدادی از افراد غرب زده، منافع خودشان را در ایران تأمین کنند و از طرف دیگر نمی‌گذارند که کالاهای حیاتی به کشورمان وارد شود. این‌ها همه دسیسه‌های غرب است ما نباید گول آن‌ها رو بخوریم و به یاری خدا بر همه‌ی این سختی‌ها غالب می‌شویم».

با توجه به صحبت‌های معلمان می‌توان سه تیپ اجتماعی متفاوت را در میان معلمان مرد مشخص کرد و مواضع معلمان را در قبال گفتمان حاکم بر اخبار دسته‌بندی کرد:

۱) تیپ اجتماعی اول (دین‌دار رسمی)

این تیپ از معلمان به «ارزش‌های والای اسلامی» گرایش دارند و سرمایه مذهبی بیشتری دارند و همه مناسک و اصول و فروع دین را تمام و کمال اجرا می‌کنند و همیشه در راهپیمایی‌ها و تظاهرات حکومتی شرکت می‌کنند. افرادی هستند که تابع وضع موجود هستند و وضع موجود را رضایت‌بخش می‌دانند. دسترسی‌های گفتمانی این تیپ از معلمان نهایتاً در حد کتاب‌های دینی و رسانه‌های داخلی است. کمتر اهل مطالعه روزنامه و یا بررسی اخبار اینترنتی و ماهواره‌ای هستند و بیشتر روزنامه‌هایی هم که مطالعه می‌کنند همان روزنامه‌هایی‌اند که در جهت گفتمان مسلط در

۱. در اینجا ما به دلیل در نظر گرفتن فضای مقاله، تنها بخشی از گفت و گو‌ها را گزینش و گزارش کردیم.

جامعه است که به وسیله دولت در دفترهای مدیریت مدارس پخش می‌شود. آنان اخبار داخلی را عین واقع تلقی می‌کنند و با اکثر تحلیل‌های سیاسی‌ای که توسط تلویزیون ارائه می‌شود موافق‌اند و معمولاً رمزگشایی موافق‌جویانه‌ای از اخبار تلویزیونی داخلی دارند. بنابراین ما هماهنگی میان دین‌داری رسمی و خوانش موافقت‌جویانه از رمزگان تلویزیونی را در این تیپ مشاهده کرده‌ایم.

۲) تیپ اجتماعی دوّم (دین‌دار غیر رسمی)

این تیپ از معلمان سرمایه‌مذهبی کمتری دارند ولی به ارزش‌ها و آرمان‌های اسلامی اعتقاد دارند و به مباحث عقلانی در مورد مباحث دینی تمایل دارند. در عین حال، در تظاهرات و راهپیمایی‌ها شرکت نمی‌کنند. این تیپ از معلمان گفتمان حاکم و وضعیّت موجود را با توجّه به آرمان‌ها و ایده‌آل‌های اسلامی نقد می‌کنند و در نهایت، عقلانیّت را هم در مساوات با آرمان‌های اسلامی قرار می‌دهند. این تیپ معلمان تا حدودی به گفتمان‌های دیگر مانند روزنامه و اینترنت دسترسی دارند و سعی می‌کنند درباره همه اخبار مربوط به مسائل داخلی و خارجی کشور باشند. نگاه‌شان به شبکه‌های داخلی چندان مثبت نیست چرا که بیشتر تحلیل‌های سیاسی مربوط به اخبار داخلی را سرشار از تحریف و سانسور خبری می‌دانند. این نوع معلمان معمولاً رمزگشایی محتاط‌آمیز و اعتدال‌جویانه‌تری دارند اما گاهی رمزگشایی‌شان به رمزگشایی مخالفت‌جویان نزدیکتر می‌شود در مجموع می‌توان آن‌ها را در طیف جرح و تعدیلی‌ها قرار داد.

۳) تیپ اجتماعی سوّم (غیر دین‌دار)

این تیپ از معلمان مذهبی نیستند و هیچ یک از مناسک اسلامی مانند نماز خواندن یا دعاخواندن را اجرا نمی‌کنند. همچنین، در تظاهرات و راهپیمایی‌های حکومتی شرکت نمی‌جویند و معمولاً خیلی کم اخبار داخلی را تماشا می‌کنند. این معلمان بیشتر اطلاعات خود را از اخبار ماهواره‌ای و یا اخبار اینترنتی به دست می‌آورند و اهل مطالعه روزنامه و مجله و کتاب‌های سیاسی هستند. این معلمان رمزگشایی مخالفت‌جویانه‌تری از اخبار داخلی دارند و اخبار داخلی را سرشار از تحریف و سانسور می‌دانند.

قرائت‌های دانشجویان

دانشجویان در مقایسه با سایر گروه‌ها به‌نظر می‌رسد گروه نامتجانس‌تری را شکل دهند. از ویژگی‌های جامعه دانشجویی، دسترسی زیاد به رسانه‌های مختلف، مطالعه بیشتر و دیدگاه‌های متنوع‌تر سیاسی اجتماعی است. بحث گروهی متمرکز با دانشجویان در اردیبهشت ماه ۱۳۹۰ در خوابگاه دانشگاه بوعلی‌سینای همدان انجام شد. تنوع سنی (۲۱ تا ۲۷ سال) و تنوع در میزان درآمد مورد توجه ما بوده است. دسترسی رسانه‌ای چون خواندن روزنامه، استفاده از رسانه‌هایی چون اینترنت و ماهواره در بین دانشجویان بیشتر از گروه معلمان دیده شده است. در زمینه نماز خواندن تقریباً تنوعی وجود نداشت (به غیر از یکنفر) اما در سایر زمینه‌ها چون مسجد رفتن و شرکت در نماز جمعه و نظایر آن تنوع محسوس است. متغیر درآمد نشان می‌دهد که دین‌داران رسمی یا دولتی در گروه درآمدی پایین‌تر دیده شده‌اند.

جدول شماره ۳. مشخصات زمینه‌ای دانشجویان مشارکت‌کننده در بحث گروهی متمرکز ۲

کد دانشجویان	مشخصات دانشجویان	A	B	C	D	E	F	G
سن	۲۱	۲۳	۲۲	۲۴	۲۷	۲۴	۲۶	
میزان درآمد خود یا خانواده	۸۰۰۰۰۰ تومان	۱۰۰۰۰۰۰ تومان	۴۰۰۰۰۰ تومان	۵۵۰۰۰۰ تومان	۷۰۰۰۰۰ تومان	۹۰۰۰۰۰ تومان	۸۰۰۰۰۰ تومان	
استفاده از ماهواره	بلی	بلی	خیر	بلی	بلی	بلی	خیر	
استفاده از اینترنت	بلی	بلی	خیر	بلی	بلی	خیر	بلی	
خواندن روزنامه	بلی	بلی	بلی	بلی	بلی	بلی	بلی	
نماز خواندن	بلی	بلی	بلی	بلی	خیر	بلی	بلی	
مسجد رفتن	بلی	خیر	بلی	بلی	خیر	خیر	خیر	
شرکت در مراسم مذهبی	خیر	خیر	بلی	بلی	خیر	خیر	خیر	
شرکت در تظاهرات و راهپیمایی‌ها	خیر	خیر	بلی	بلی	خیر	خیر	خیر	
شرکت در نماز جمعه	خیر	خیر	بلی	بلی	خیر	خیر	خیر	
سطح تحصیلات	کارشناسی	کارشناسی	کارشناسی	کارشناسی	کارشناسی	کارشناسی	کارشناسی	کارشناسی

افرادی که در طیف دین‌داران رسمی جای گرفته‌اند با رمزگان مسلط در تبلیغات سیاسی و دینی هم عقیده‌اند، برنامه‌های خبری را جدی‌تر دنبال می‌کنند و علاقه‌ای به برنامه‌های ماهواره‌ای

ندارند. در عوض افراد دیگر، که علاقه کمتری به برنامه خبری تلویزیون نشان داده‌اند و در عین حال دسترسی رسانه‌ای متکثرتری (ماهواره و اینترنت) دارند با تحلیل‌های روحانیون در مساجد و هیئت‌ها کمتر همراه می‌شوند.

جدول شماره ۴. مشخصات سیاسی و فرهنگی و مذهبی دانشجویان شرکت‌کننده در بحث گروهی متمرکز ۲

تیب اجتماعی / مشخصات سیاسی فرهنگی	دین‌دار رسمی (C,D)	دین‌دار غیر رسمی (A,B,F,G)	غیر دین‌دار (E)
نظر شما درباره تحلیل‌های سیاسی‌ای که توسط روحانیون در مساجد و هیئت‌ها ارائه می‌شود	موافقم	مخالفم	مخالفم
تماشای اخبار ساعت ۲۱ شبکه یک	بلی	گاهی اوقات	بلی
پیگیری اخبار ماهواره‌ای، بی‌بی‌سی یا صدای آمریکا و..	خیر	گاهی اوقات	همیشه
رابطه بین دین و سیاست	بلی	تاحدودی	خیر
الزام دین‌داری سیاست‌مداران	بلی	باشه بهتره	خیر

در این مصاحبه گروهی، ابتدا قسمتی از اخبار مربوط به اوضاع کشورهای لیبی، بحرین و یمن برای دانشجویان پخش شد. بحث با یک سؤال از مصاحبه‌شوندگان شروع شد: برنامه خبری ساعت ۲۱ شبکه یک در خصوص حوادث منطقه چگونه به بازتاب این حوادث پرداخته است؟ ابتدا کد (G) بحث را شروع کرد.

«رسانه‌های خبری ایران به بازتاب خبری اوضاع سوریه اهمیت نمی‌دهند و مردم معترض سوریه را اغتشاش‌گر می‌نامند و مردم معترض بحرین را انقلابی».

کد (B) در جهت تأیید صحبت‌های کد (G) شروع به صحبت کرد:

«اگر اسم حکومت ما اسلامی و ادعای آزاداندیشی داره نباید به سانسور خبری پردازد. مثلاً، چرا به قتل عام مسلمانان در چین توجهی نشد. در اسلام واقعی همیشه به همه عقاید احترام گذاشته می‌شود و به همه اقلیت‌ها اجازه صحبت داده می‌شه.»

همین‌طور که یادتونه در جریان قتل‌عام مسلمانان چین، ایران هیچ واکنش یا اعلامیه‌ای مبنی بر محکوم کردن این وقایع نداد، درحالی که رسانه‌های ایرانی به کشته‌شدن یک خبرنگار در آلمان بیشتر از کشته‌شدن هزاران مسلمان در چین اهمیت می‌دادند. آیا این رومیشه دفاع از اسلام خوانند».

کد (D) بلافاصله شروع به نقد صحبت‌های کد (G) کرد:

«اعتراضات در بحرین به وسیله مردمی انجام می‌شود که مظلوم واقع شده‌اند، ولی اعتراضات مردم سوریه به وسیله آمریکا و از طریق نفوذ عربستان و صیهونیسیم جهانی تحقق یافته و در واقعی نوعی کودتای غربی محسوب می‌شود».

کد (A) گفت:

«در کشور ما بیشتر خبرها بر مبنای تعصب و منافع نظام سانسور می‌شوند و اکثراً تحریف شده هستند. و وقتی مردم ایران این اخبار را با اخبار ماهواره‌ای مقایسه می‌کنند، خود به خود اعتمادشان را به نظام از دست می‌دهند».

کد (F) در جهت تأیید صحبت‌های کد (A) گفت:

«رسانه‌های ایران اوضاع لیبی را کمتر بازتاب می‌دهد در حالی که در این کشور مردم به وسیله هواپیماهای قزافی بمباران می‌شوند ولی ایران بیشترین بازتاب خبری خود را از مردم بحرین نشان می‌دهد که فقط باتوم می‌خورند و نه موشکی هست نه بمبارانی و این یک نوع بی‌انصافی محسوب می‌شود. و شاید هم به علت آن است که در بحرین سنی‌ها با شیعه‌ها مبارزه می‌کنند و ایران می‌خواهد به نوعی از شیعه‌ها حمایت کند».

کد (C) بلافاصله به اظهارات کد (A) و صحبت‌های کد (G) واکنش نشان داد:

«سیاست‌های کلی نظام هست که تعیین می‌کند کدامیک مهمتر است که آن همه به وسیله رئیس‌جمهور و در صدر همه رهبر نظام تعیین می‌شود که ما قادر به تشخیص آن نیستیم و ما باید سیاست‌های رهبری در قبال امور منطقه و داخلی را مطلقاً پذیرا باشیم زیرا مصلحت ما را رهبر بهتر تشخیص می‌دهد».

کد (E) به صورت عصبانی شروع به انتقاد از کد (C) می‌کند:

«چرا اعتراضات کشورهای عربی را بیداری اسلامی بنامیم و آن را در راستای انقلاب اسلامی قرار دهیم در حالی که واقعاً این‌طور نیست».

دسترسی دانشجویان به منابع معرفتی و گفت‌مانی بیشتر از سایر افراد جامعه است. دانشگاه بر خلاف سایر نهادهای اجتماعی که کم و بیش تحت سیطرهٔ یک گفت‌مان مسلط هستند، عرصهٔ نزاع گفت‌مان‌های مختلف هستند و از همین رو، دانشجویان به لحاظ هویتی متکثرتر و چندگون‌ترند. بنابراین وقتی دانشجویان به تماشای اخبار تلویزیونی می‌پردازند، قرائت‌های متفاوتی از ابزار گفت‌مان مسلط در جامعه خواهند داشت. می‌توان سه تیپ اجتماعی متفاوت را در میان دانشجویان پسر تشخیص داد و مواضع آن‌ها را در قبال گفت‌مان حاکم بر مجموعه‌ها دسته‌بندی کرد:

(۱) تیپ اجتماعی اوّل

این تیپ را دانشجویانی تشکیل می‌دهند که به شدت مذهبی هستند و گرایش به حفظ ارزش‌های والا دارند و از زاویهٔ دین به همهٔ مسائل می‌نگرند، اکثراً از ماهواره استفاده نمی‌کنند؛ روزنامه کمتر می‌خوانند و اگر هم روزنامه‌ای را می‌خوانند روزنامه‌هایی با گرایش محافظه‌کارانه و دولتی می‌خوانند و در تظاهرات و راهپیمایی‌های حکومتی شرکت می‌جویند و در چارچوب گفت‌مان مسلط فکر می‌کنند. این تیپ از دانشجویان عضو نهادهایی چون بسیج یا جامعهٔ اسلامی می‌باشند، گفت‌مان‌های مخالف خود را زائیدهٔ توطئهٔ جهانی می‌دانند، معمولاً اخبار ایران را کاملاً قابل استناد می‌دانند و با بیشتر تحلیل‌های سیاسی که در تلویزیون داخلی پخش می‌شود موافق‌اند. در واقع به نوعی در جایگاه خوانش ارجح قرار می‌گیرند و رمزگشایی موافقت‌جویانه‌ای از خبر ساعت ۲۱ شبکه یک دارند.

(۲) تیپ اجتماعی دوّم

دانشجویان مذهبی را شامل می‌شود که با توجه به ارزش‌ها و آرمان‌های اسلامی به انتقاد از سیاست حاکم بر کشور می‌پردازند. این تیپ از دانشجویان دسترسی‌های گفت‌مانی بیشتری دارند و در مقابل گفت‌مان حاکم در رسانه‌های خبری وارد تعامل می‌شوند. این دانشجویان نظام سیاسی حاکم را با توجه به آرمان‌های مذهبی ارزیابی می‌کنند و در تظاهرات و راهپیمایی‌های حکومتی خیلی کمتر شرکت می‌جویند. این تیپ از دانشجویان در مقابل رسانه‌های خبری خارجی انعطاف بیشتری به خرج می‌دهند و به نوعی به تماشای اخبار ماهواره‌ای می‌پردازند، ولی بیشتر تحت تأثیر ارزش‌های مذهبی هستند و سعی می‌کنند با مقایسهٔ اخبار داخلی و خارجی به ارزیابی بپردازند. با

بیشتر تحلیل‌های سیاسی که توسط رسانه داخلی پخش می‌شود مخالف‌اند و آن را تحریف می‌دانند. دسترسی‌های گفتمانی بیشتر این تیپ دانشجویان سبب می‌شود که به راحتی تحت انقیاد رسانه‌های داخلی قرار نگیرند و تا حدود زیادی از خود مقاومت نشان می‌دهند. بنابراین تا حدود زیادی خوانش مرجح برنامه خبری را نمی‌پذیرند و با جرح و تعدیل با آن برخورد می‌کنند.

۳) تیپ اجتماعی سوم

شامل دانشجویان کمتر مذهبی و غیرمذهبی می‌باشد که دسترسی‌های گفتمانی بیشتری دارند. و معمولاً از قشرها و طبقات بالاتر جامعه می‌باشند. این تیپ اهل مطالعه آزاد و خواندن روزنامه می‌باشند و اخبار و رسانه‌های داخلی را خیلی کمتر تماشا می‌کنند و بیشتر به تماشای اخبار ماهواره‌ای می‌پردازند. از اینترنت و فضای مجازی بیشترین استفاده را می‌برند. این تیپ از دانشجویان نه تنها در تظاهرات و راهپیمایی‌ها شرکت نمی‌کنند، بلکه با آن مخالف هم هستند. دسترسی‌های گفتمانی این افراد به همراه غیرمذهبی بودن این افراد سبب می‌شود که در برابر خبر ساعت ۲۱ شبکه ۱، خوانش مخالفت‌جویانه‌تری از تحلیل‌ها و خبرهای رسانه‌های داخلی داشته باشند.

قرائت‌های طلاب

مطالعه دیدگاه‌های طلاب و مناسبت آن با متون رسانه‌ای از این دریچه اهمیت دارد که از یک سو، برخی این را پیش فرض می‌گیرند که طلاب دیدگاه‌های نزدیکتری به متون رسمی رسانه‌ای دارند و از سوی دیگر گروه طلاب در تحقیقات اجتماعی کمتر مورد توجه بوده‌اند. در مطالعه اخیر دو گروه در میان طلاب شناسایی شده‌اند. گروهی طرفدار دین‌دار رسمی بوده‌اند و گروه دوم تاکید کمتری بر دین‌دار رسمی داشته‌اند اما در مجموع نمی‌توان آن‌ها را دین‌دار غیررسمی دانست. این سخن درستی است اگر بگوییم در مطالعه ما غالب طلاب به نوعی با دین‌داری رسمی موافقت داشته‌اند.^۱ بحث گروهی در اردیبهشت ۱۳۹۰ در حوزه علمیه‌استان همدان انجام شد. طلاب بررسی شده در مجموع توان اقتصادی پایین‌تری در مقایسه با معلمان و خانواده دانشجویان دارند. با این حال به لحاظ دسترسی رسانه‌ای چون اینترنت و ماهواره تنوع خوبی در میان آن‌ها

^۱ احتمالاً می‌شود طلابی را در مراکزی دیگر یافت که دین‌دار رسمی نباشند اما مطالعه ما با محدودیت‌هایی که داشت نتوانست به آن طیف دسترسی داشته باشد.

مشاهده شده است. به لحاظ عمل دینی تفاوتی بین آنها مشاهده نمی‌شود حتی در زمینه مناسک جمعی و سیاسی نیز اغلب مشارکت فعال دارند. به لحاظ تحصیلی نیز بین آنها همگنی مشاهده می‌شود. تنها وجه تمایز را در راهپیمایی‌ها و تظاهرات سیاسی دولتی می‌توان مشاهده کرد. در مجموع نتایج به دست آمده در بین طلاب اگرچه تفاوت‌هایی ناچیز را در نوع دین‌داری و دسترسی‌های گفتمانی با خوانش رسانه‌ای نشان می‌دهد اما تفاوت معناداری را نشان نمی‌دهد. چرا که صرف دسترسی به اینترنت، روزنامه یا تلویزیون ماهواره‌ای اهمیت ندارد مهم این است که بدانیم فرد چگونه از آنها استفاده می‌کند. در عین حال، مطالعه طلاب نشان داده است که نفس دین‌داری اهمیت زیادی در خوانش دارد چرا که غالباً با رمزگان مسلط متن تلویزیون هم عقیده بودند و همین طور غالباً از نوعی دین‌داری رسمی حمایت می‌کردند. این پیوستگی میان تلویزیون و دین‌داری رسمی بدون طرح این که کدام بر دیگری موثرتر است می‌تواند فرد را در دایره‌ای قرار دهد که دو عنصر در آن به تقویت یکدیگر مشغول‌اند.

جدول شماره ۵. مشخصات زمینه‌ای طلاب مشارکت‌کننده در بحث گروهی متمرکز ۳

G	F	E	D	C	B	A	کد روحانیون مشخصات روحانیون
۳۱	۳۸	۲۸	۳۰	۳۱	۲۸	۳۷	سن
۴۰۰۰۰	۴۵۰۰۰	۴۸۰۰۰	۵۰۰۰۰	۳۷۵۰۰	۳۰۰۰۰	۵۰۰۰۰	میزان درآمد خود یا سرپرست خانواده
بله	بله	بله	خیر	خیر	خیر	خیر	استفاده از ماهواره
بله	بله	بله	بله	خیر	خیر	خیر	استفاده از اینترنت
بله	بله	بله	بله	بله	بله	کم	خواندن روزنامه
بله	بله	بله	بله	بله	بله	بله	نماز خواندن
بله	بله	بله	بله	بله	بله	بله	مسجد رفتن
بله	بله	بله	بله	بله	بله	بله	شرکت در مراسم مذهبی
بله	خیر	بله	بله	بله	بله	بعضی اوقات	شرکت در تظاهرات وراهپیمایی‌ها
بله	بله	بله	بله	بله	بله	بله	شرکت در نماز جمعه
سطح سوم	سطح دوم	سطح دوم	سطح دوم	سطح دوم	سطح دوم	سطح دوم	سطح تحصیلات

طلاب به علت رویکرد محافظه‌کارانه‌ای که داشتند فقط در مورد مسائل کشورهای عربی تمایل داشتند بحث کنند و در رابطه با مسائل داخلی به هیچ عنوان حاضر به بحث نبودند. در قسمت اول اخبار مربوط به اوضاع منطقه و اعتراضات در کشورهای عربی پخش شد. بحث را با این سوال شروع کردیم

جدول شماره ۶. مشخصات سیاسی و فرهنگی و مذهبی طلاب شرکت‌کننده در بحث گروهی
متمرکز ۳

دینداری کمتر رسمی (B,F)	دیندار رسمی (A,C,D,E,G)	تیپ اجتماعی طلاب مشخصات سیاسی و فرهنگی
تا حدودی مخالفم	کاملاً موافقم	نظر شما درباره تحلیل‌های سیاسی‌ای که توسط روحانیون در مساجد و هیئت‌ها ارائه می‌شود.
کم	بلی	تماشای اخبار ساعت ۲۱ شبکه یک
کم	خیر	پیگیری اخبار ماهواره‌ای، بی‌بی‌سی یا صدای آمریکا و..
بلی	بلی	رابطه بین دین و سیاست
بلی	بلی	الزام دین‌داری سیاستمداران
تاحدودی	بلی	مقدس بودن حکومت جمهوری اسلامی
کم	بلی	شرکت در نماز جمعه و راهپیمایی‌های حکومتی

که امریکا و کشورهای غربی چه نقشی در خصوص حوادث منطقه ایفا می‌کنند؟
ابتدا کد (H) بحث را شروع کرد:

«وقتی خیزش کشورهای اسلامی شروع شد و به‌طوری که منافع آمریکا در خطر افتاد، آمریکایی‌ها که دیدند منافع‌شون رو دارن از دست میدن قضیه سوریه را راه انداختند و عده خیلی کمی رو تحریک کردن که بر علیه بشار اسد به پا خیزند».
کد (C) در واکنش به صحبت‌های کد (H) شروع به صحبت کرد:
«این عده هم به‌وسیله سازمان‌های اطلاعاتی اسرائیل و غرب حمایت می‌شوند تا نگذارند یک حکومت ضد سرمایه‌داری در سوریه دوام بیاورد و از طرفی دیگر به این صورت آمریکا عرصه را بر ایران تنگ کند تا بتواند فشار بیشتری را بر کشور ایران بیاورد».
کد (E):

«انقلاب‌های کشورهای عربی متأثر از انقلاب ایران می‌باشد و این ریشه‌هاش از خیلی وقته که شروع شده و این خیزش کشورهای عربی چون که هم‌جوار ما هستند برای کشور ما مهمه که این‌ها رو مدیریت کنیم و به نفع کشورمان در مورد مسائل‌اش

دخالت کنیم، همان‌طور که کشورهای غربی به بحرین نیرو می‌فرستند ما هم باید این وضعیت رو طوری برنامه‌ریزی کنیم که منافع ایران به‌خطر نیفته».

کد (F) نسبت به صحبت‌های کد (H) واکنش نشان داد:

«من فکر می‌کنم که وضعیت سوریه هیچ فرقی با وضعیت بحرین نداره و در واقع اونم جزیی از بیداری اسلامیه. در سوریه نیز مردم به‌وسیله حکومت قتل‌عام می‌شوند و ایران هم به دلایل سیاسی و نه اسلامی اخبار سوریه رو بازتاب نمیده، مانند شبکه‌های آمریکایی که اخبار بحرین رو بازتاب نمی‌دهند و بدنبال آن هستند که نفوذ خود را بر منطقه حاکم کنند».

کد (B):

«کشوری مثل عربستان نیروهاش رو می‌آوره در بحرین، مسجدهارو خراب می‌کنند و قرآن‌ها رو می‌سوزانند که همش کشورهای غربی عامل تحریک هستند».

کد (D):

«خوب کاملاً روشنه که آمریکا نفوذش در خاورمیانه رو از دست داده و مجبوره که هزینه‌هایی رو خرج کنه تا این منافع رو در کشورهایی مانند سوریه احیا کنه».

کد (F) در واکنش به صحبت‌های کد (D):

«نمی‌شود که اعتراضات مردم سوریه رو نادیده بگیریم. در اخبار ماهواره‌ای کشته‌شدن مردم بی‌گناه توسط حکومت سوریه رو نشون میده که جمعیت زیادی به خیابان‌ها ریخته‌اند و شعار مرگ بر بشار اسد سر می‌دهند ما نباید این واقعیت‌ها رو نادیده بگیریم».

کد (A):

«آمریکا مهره‌های سوخته شو فدا کرد و با ترفندهای دیگه دوباره به‌دنبال اینه که افرادی رو در کشورها بر سرکار بیاره که منافع آمریکا رو حفظ کنند. مثلاً، در مصر حسنی مبارک آنقدر فساد و خراب‌کاری کرد که مردم دیگه همه از دستش به ستوه آمدند و آمریکا هم که دید داره منافعش رو در این کشور از دست میده و دیگه کاری نمی‌تونه بکنه خودش هم شروع کرد به انتقاد از حسنی مبارک».

با توجه به بحث گروهی که با طلاب انجام شد در واقع گوناگونی چندان‌ی بین آن‌ها دیده نشد،

در مقایسه با گروه‌های دیگر، طلاب گروه‌های یک‌دست‌تری را تشکیل داده‌اند. با این حال، ما به سختی می‌توانیم دو گونه دین‌داری رسمی و دین‌دار کمتر رسمی را از هم تفکیک کنیم.

(۱) تیپ اجتماعی اول

این تیپ از طلاب بسیار مذهبی هستند و از بیشترین سرمایه مذهبی در جامعه برخوردارند و حکومت سیاسی را با دین تلفیق کرده و حکومت را مقدس می‌دانند و افکار آن‌ها نیز بسیار متأثر از سنت‌ها می‌باشد و با نوآوری‌ها به شدت مقابله می‌کنند. این تیپ از طلاب با تمام وجود از حکومت سیاسی و ارزش‌های آن دفاع می‌کنند و در تمام تظاهرات‌ها و فراخوان‌های دولت شرکت می‌کنند. از دید این افراد مشکلات و مسائل جامعه را با بازگشت به سنت‌های اسلامی می‌توان حل کرد و این طلاب دارای رویکردهای بسیار محافظه‌کارانه می‌باشند و به نظر اینان، هرگونه مخالفتی در داخل جامعه بر علیه حکومت باید از بین برود، زیرا این مخالفت‌ها ریشه در توطئه‌های شیطانی «آن‌ها» (آمریکا، اسرائیل و غرب) دارد. آن‌ها دسترسی‌های گفت‌مانی بسیار کمی را با رسانه‌ها دارند به طوری که نه روزنامه می‌خوانند نه به اینترنت روی می‌آورند و حتی اخبار تلویزیونی داخلی را هم به ندرت دنبال می‌کنند و تنها منبع اصلی دسترسی‌های گفت‌مانی این افراد مراسم سخنرانی شخصیت‌های محافظه‌کار سیاسی و طرفدار حکومت می‌باشند که با تمام وجود با این منابع خبری موافق‌اند و از طرفی اخبار ماهواره‌ای و اینترنتی را زائیده توطئه جهانی می‌دانند. بنابراین این تیپ از طلاب در نقطه خوانش آرمانی از رسانه‌های خبری داخلی قرار دارند و رمزگشایی کاملاً موافقت‌جویانه‌ای به عمل می‌آورند. در مورد اخیر مشخص شد که تفکیک اعتراض در سوریه با اعتراضات در یمن و دیگر کشورها را آن‌گونه می‌فهمند که تلویزیون برای‌شان معنا کرده است.

(۲) تیپ اجتماعی دوم

این تیپ از طلاب نیز سرمایه مذهبی بالایی دارند و دین و سیاست را با هم یکی می‌دانند. ولی سعی می‌کنند که سیاست‌های حکومتی را با توجه به ارزش‌های اسلامی نقد کنند و از سنت‌ها کمتر پیروی می‌کنند و بیشتر گرایش به مباحث عقلانی دارند و نوگرایی دارند. این تیپ از طلاب، دسترسی‌های گفت‌مانی بیشتری نسبت به گونه قبلی دارند، به طوری که اخبار مربوطه به جامعه را هم از روزنامه پیگیری می‌کنند و هم از اینترنت. ملاک تبعیت برای آن‌ها ارزش‌های

دینی است نه منافع سیاسی. معمولاً کمتر از دیگر طلاب در تظاهرات و راهپیمایی‌ها شرکت می‌کنند. از نظر آن‌ها حکومت باید به دنبال احیای ارزش‌های اسلامی باشد به طوری که جوانان به دین‌گرایی پیدا کنند. دسترسی گفتمانی آن‌ها موجب شده است خوانشی مذاکره‌ای با گفتمان تلویزیونی داشته باشند اما به هیچ وجه سبب نشده است این خوانش را به سمت مخالف خوانی و معارضة جویی سوق دهند. می‌توان این گونه نتیجه گرفت که دسترسی گفتمانی اگرچه در خوانش تاثیرگذار است اما برای گروه‌هایی که درجه بالایی از دارایی مذهبی و دین‌داری برخوردارند عامل تعیین بخش نبوده است. چرا که طلابی که به اینترنت و ماهواره و مطبوعات دسترسی داشته‌اند با آنانی که به این رسانه‌ها دسترسی نداشته‌اند تفاوت محسوسی در نوع رمزگشایی از متون نداشته‌اند.

نتیجه‌گیری

در این مقاله، هدف ما بررسی و مطالعه تأثیر متغیر دین‌داری در خوانش متون رسانه‌ای و به طور خاص متون تلویزیونی بوده است. ما به دنبال بررسی این مطلب بوده‌ایم که آیا در جامعه ایران رمزگشایی از الگوی خاص و متفاوت خود برخوردار است؟ آیا دین‌داری می‌تواند به عنوان متغیری تعیین‌کننده در کنار متغیر مهمی چون دسترسی گفتمانی قرار گیرد و حتی آن را تحت تاثیر خود قرار دهد؟ بدین منظور برنامه خبری شبکه یک سیما و خوانش آن‌ها توسط افراد مورد توجه ما قرار گرفته است.

تلویزیون در ایران یک رسانه بی‌رقیب است و در عین حال در تمامی شبکه‌های به ظاهر متفاوت تنها یک مرکز تولید خبر وجود دارد و محتوای خبر هیچ تفاوتی با یکدیگر ندارد. از سوی دیگر همین تلویزیون از معانی مذهبی و رمزگان‌های دینی برای تفسیر خبر خود بهره می‌جوید و می‌توان پیش‌بینی کرد که چنین خبرهای آغشته به رمزگان دینی سیاسی خود می‌تواند خویشاوندی نزدیکی میان گروه‌های بیشتر دین‌دار ایجاد کند. سه تیپ کلی در تحقیق ما مورد توجه بوده‌اند: دانشجویان، معلمان و طلاب. وجه تشابه هر سه تیپ این است که از گروه‌های مهم فرهنگی جامعه محسوب می‌شوند. اما به نظر می‌رسد از موقعیت‌های متفاوت نیز برخوردارند. درون هر کدام از این گونه‌ها ما سه تیپ را از یکدیگر تفکیک کرده ایم.

- دسته اول کسانی هستند که پیام‌های مربوط به اخبار را در چارچوب گفتمان حاکم بر آن رمزگشایی می‌کنند و معانی و مضامین ایدئولوژیک را به طور کامل

می‌پذیرند. در گروه معلمان کدهای A,E,G و در گروه دانشجویان کدهای C,D و در گروه روحانیون کدهای A,C,D,E,G در این دسته قرار می‌گیرند.

• دسته دوم کسانی هستند که با گفتمان مسلط وارد تعامل می‌شوند، به طوری که بعضی از معانی و مضامین مندرج در اخبار را می‌پذیرند و در مقابل بعضی از آنها مقاومت می‌کنند و پاره دیگر از آنها را براساس تجربیات خود معنا می‌کنند. در گروه معلمان کدهای B,F و در گروه دانشجویان کدهای B,F و در گروه روحانیون کدهای B,F در این دسته قرار می‌گیرند.

• دسته سوم را مخاطبانی تشکیل می‌دهند که پیام‌های اخبار تلویزیونی را نمی‌پذیرند و آن را تحریف شده می‌دانند و به نوعی رمزگشایی مخالفت‌جویانه از اخبار تلویزیونی دارند. این افراد از درجه مذهبی بودن پایین تری برخوردارند و همین طور دسترسی‌های گفتمانی بیشتری دارند و در مقابل پیام‌ها مقاومت زیادی می‌کنند. در گروه معلمان کدهای C,D و در گروه دانشجویان کدهای E,A,G در این دسته قرار می‌گیرند. طبیعی است که نباید انتظار داشت در بین طلاب از این طیف به سادگی یافت شود. ممکن است یکی از مهمترین دلایل آن که با فرضیه ما نیز مرتبط است به فقدان تنوع در میزان دین‌داری در میان طلاب مربوط باشد.

در این دسته بندی‌ها نقش مذهب برجسته بوده است. در واقع افرادی که به دین‌داری رسمی گرایش بیشتری داشته‌اند بیشتر در دسته اول و افراد کمتر دین‌دار در دسته سوم جای گرفته‌اند. اگر بخواهیم بین سه گروه بررسی شده مقایسه‌ای انجام دهیم می‌توان گفت که دانشجویان نسبت به طلاب و معلمان از میزان دین‌داری رسمی پایین تری برخوردارند در عین حال به مسجد یا مکان‌هایی دیگر مذهبی کمتر مراجعه می‌کنند و مناسک مذهبی را هم کمتر به جا می‌آورند. در مقابل آنان نسبت به طلاب و معلمان دسترسی‌های گفتمانی بیشتری دارند. دانشجویان نسبت به طلاب و معلمان کمتر در تظاهرات و راهپیمایی‌ها شرکت می‌کنند. طلاب بیشترین اطلاعات خود را از سخنرانی‌های مذهبی و مراسم و عظم مذهبی دریافت می‌کنند و کمتر به رسانه‌ها حتی رسانه‌های داخلی یا روزنامه مراجعه می‌کنند و نسبت به معلمان و دانشجویان بیشتر در راهپیمایی‌ها و تظاهرات دولتی شرکت می‌کنند و رمزگشایی کاملاً موافقت‌جویانه تری نسبت به دانشجویان و معلمان از برنامه‌های خبری دارند. اکثر طلاب، مرزی بین حکومت و مقدسات قائل نیستند و هر دو را یکی می‌دانند و به همین دلیل بیشتر تفسیرهای خود از مسائل سیاسی را با توجه به مقدس

بودن حکومت ارزیابی می‌کنند که همین امر سبب می‌شود تا با تعصب بیشتری به ارزیابی امور سیاسی پردازند و رمزگشایی خود را بر مبنای احساسات مذهبی قرار دهند. معلمان نسبت به طلاب و دانشجویان تا حدودی معتدل‌تر هستند (از این رو با خوانش جرح و تعدیلی بیشتر از سایرین سازگارترند). البته شاید محافظه‌کاری معلمان نسبت به دانشجویان در رابطه با مسائل سیاسی به علت شاغل بودن در امور دولتی باشد که همین امر سبب می‌شود تا با محافظه‌کاری بیشتری نسبت به دانشجویان در زمینه مسائل سیاسی داخلی واکنش نشان دهند. معلمان نسبت به طلاب سرمایه مذهبی کمتری دارند یعنی از مدار دین‌داری رسمی تا اندازه‌ای فاصله دارند و تقریباً به دانشجویان نزدیک‌ترند تا طلاب. معلمان نیز مانند دانشجویان سعی می‌کنند در مسائل سیاسی بحث دین را از بحث سیاست جدا سازند، ولی از طرفی بیشتر از دانشجویان مناسک مذهبی را رعایت می‌کنند و در نمازهای جمعه و مراسم مذهبی نیز حضور بیشتری از دانشجویان دارند. دسترسی‌های گفتمانی معلمان نسبت به روحانیون بیشتر است و بیشتر معلمان تمایل دارند که برنامه‌های خبری را از سایر گفتمان‌ها نیز دریافت کنند و همین دسترسی‌های گفتمانی سبب می‌شود تا معلمان رمزگشایی مخالفت‌جویانه‌تری نسبت به روحانیون از برنامه‌های خبری داشته باشند و از طرفی، به علت دولتی بودن شغل معلمان، رمزگشایی موافقت‌جویانه‌تری نسبت به دانشجویان از برنامه‌های خبری دارند. در نتیجه، موافقت‌جویانه‌ترین رمزگشایی مختص طلاب می‌باشد که بیشترین سرمایه مذهبی (دین‌داری رسمی) و کمترین دسترسی گفتمانی را دارند و مخالفت‌آمیزترین رمزگشایی مختص دانشجویان است که کمترین میزان دین‌داری رسمی و بیشترین میزان دسترسی گفتمانی را برخوردارند.

- دانشجویان: درجه پایین‌تری از دین‌داری، خوانش غیر رسمی‌تر از اسلام، دسترسی گفتمانی بیشتر و خوانش مخالفت‌جویانه‌تر.
- معلمان: در همه ویژگی‌ها از وضعیت میانه برخوردارند.
- طلاب: درجه مذهبی بودن بالاتر، خوانش رسمی‌تر از اسلام، دسترسی گفتمانی کمتر و خوانش موافقت‌جویانه‌تر.

در نتیجه می‌توان این‌گونه بیان کرد که گروه‌های با دین‌داری رسمی بالاتر و دسترسی گفتمانی کمتر با متون رسانه‌ای داخلی بیشتر همراه می‌شوند و گروه‌های با میزان دین‌داری رسمی پایین‌تر و دسترسی گفتمانی بیشتر، به خوانش مخالفت‌جویانه بیشتری روی می‌آورند. این نکته هم در مقایسه درون‌گروهی (اشکال مختلف دین‌داری) و هم بین‌گروهی (دانشجویان، معلمان و

طلاب) نشان داده شده است. در نهایت چنین به نظر می‌رسد نمی‌توان ادعا کرد که دین‌داری در شکل کلی می‌تواند در خوانش موثر باشد چرا که ما در جامعه‌ای دین‌دار زندگی می‌کنیم، و نمی‌توان از دین‌داری در معنای کلی به عنوان متغیر یاد کنیم یا این که حداکثر آن را متغیر می‌توانیم از رابطه میان اشکال و گونه‌های دین‌داری با شیوه‌های خوانش سخن بگوییم. مثلاً در تحقیق ما نشان داده شده است که هرچه فرد تعلق بیشتری به دین‌داری رسمی داشته باشد بیشتر به متون تلویزیونی ارادت می‌ورزد و عقاید خود را بر اساس آن مستحکم می‌کند. اما در عوض هرچه فرد از خوانش رسمی از اسلام فاصله می‌گیرد و دین‌داری وی به شیوه‌های شخصی دین‌ورزی یا دین‌داری سنتی نزدیک‌تر می‌شود احتمال شکل‌گیری خوانش مخالفت‌جویانه‌تر بیشتر می‌شود. با این حال، دسترسی گفتمانی در کنار دین‌داری عامل مهمی در شیوه‌های خوانش است. شاید بهتر باشد که گفته شود زنجیره‌ای از عناصر وجود دارند که شیوه‌های متفاوت خوانش را در کشور ما ممکن می‌سازند، این زنجیره در برگیرنده عناصری چون دسترسی‌های گفتمانی، جایگاه یا مواضع سوژه سخن‌گو و شیوه‌های دین‌داری هستند. با همه این توصیف‌ها، ادعا نداریم که چنین فرضیه‌ای غیر قابل مناقشه است یا این که در این مقاله شواهد کافی برای آن ارائه شده است. ما فکر می‌کنیم این ایده تنها باید به عنوان فرضیه‌ای قابل توجه برای تحقیقات بیشتر در نظر گرفته شود.^۱

منابع

- آزاد ارمکی، تقی و رضایی، محمد (۱۳۸۵)، «سوژه و قدرت: تحلیل چگونگی شکل‌گیری ذهنیت در مطالعات فرهنگی»، *نامه علوم اجتماعی*، شماره پیاپی ۲۷.
- اباذری، یوسف (۱۳۸۳)، «رولان بارت و اسطوره و مطالعات فرهنگی»، *فصلنامه ارغنون*، شماره ۱۸.
- استروی، ج. پاینده، ح. (۱۳۸۶)، *مطالعات فرهنگی درباره فرهنگ عامه*، تهران: نشر آگه.
- استرنیاتی، دومینیک (۱۳۸۰)، *مقدم‌های بر نظریه‌های فرهنگ عامه*، ترجمه ثریا پاک‌نظر، تهران: انتشارات گام‌نو.
- ادگار، از سجویک، پ. (۱۳۸۷)، *مفاهیم بنیادی نظریه‌ی فرهنگی*، ترجمه مهراں مهاجر و محمد نبوی، تهران: انتشارات آگاه.
- بشیریه، ح. (۱۳۷۹) *نظریه‌های فرهنگ در قرن بیستم*، تهران: انتشارات آینده پویان.

^۱ . پرواضح است که کم بودن تعداد افراد مورد مصاحبه و امکان عدم اشباع نظری در این مطالعه، نیاز به مطالعاتی دیگر را الزامی می‌سازد.

- دالگرن، پ. (۱۳۸۵)، **تلویزیون و گستره عمومی**، ترجمه مهدی شفقتی، تهران: انتشارات سروش و مرکز تحقیقات، مطالعات و سنجش برنامه‌ای.
- رضایی، محمد (۱۳۸۷)، «مصرف تلویزیونی: بازتولید هژمونی یا مقاومت نشانه‌ای»، در کاظمی، عباس، مطالعات فرهنگی، مصرف فرهنگی و زندگی روزمره در ایران، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.
- رضایی، محمد (۱۳۸۶) **ناسازدهای گفتمان مدرسه، تحلیلی از زندگی روزمره دانش آموزی**، نشر جامعه و فرهنگ.
- رضایی محمد و کلانتری م (۱۳۹۰)، خوانش مخاطبان سریال‌های شبکه ماهواره‌ای فارسی وان، مورد تماشگری فارسی ویکتوریا، **مجله زن در فرهنگ و هنر**، دوره سوم، شماره دوم، صص ۵-۲۴.
- چندلر، د. (۱۳۸۶)، **مبانی نشانه‌شناسی**، ترجمه مهدی پارسا، تهران: انتشارات سوره مهر.
- خالقی، ا. (۱۳۸۵)، **قدرت، زبان، زندگی روزمره در گفتمان فلسفی - سیاسی معاصر**، تهران: گام نو.
- فلیک، ا. (۱۳۸۷)، **درآمدی بر تحقیق کیفی**، ترجمه هادی جلیلی، تهران: نشرنی.
- فیسک، ج. (۱۳۸۱)، «فرهنگ و ایدئولوژی»، ترجمه مژگان برومند، **فصلنامه ارغنون**، شماره ۲۰.
- کاظمی ع، فرجی م (۱۳۸۹) **پیمایش ملی دین‌داری ایرانیان مسلمان**، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
- کلنر، د. (۱۳۹۰) «مطالعات فرهنگی، چند فرهنگ گرایی و فرهنگ رسانه‌ای» ترجمه میرحسن آذری: <http://www.hamshahrtraining.ir/news-3210.aspx>
- ک کوایل، د (۱۳۸۰)، **مخاطب‌شناسی**، ترجمه مهدی منتظر قائم، تهران: انتشارات دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- محمدی، ج. (۱۳۸۷) «مخاطبان و مجموعه‌های تلویزیونی»، **فصلنامه تحقیقات فرهنگی**، شماره ۲.
- یورگنسن، م؛ فیلیس، ل. (۱۳۸۰)، نظریه و روش در تحلیل گفتمان، ترجمه هادی جلیلی، تهران: نشر نی.
- هال، ا. (۱۳۸۲)، «رمز‌گذاری و رمز‌گشایی»، ترجمه نیما ملک‌محمدی، در دیورینگ، سایمون، **مطالعات فرهنگی**، تهران: نشر تلخون.

- Allen, R. (2005), *Channels of Discourse, Reassembled Television and contemporary criticism*, New York and London: Routledge.
- Durant, A. And Lambrou, M. (2009), *Language and Media*, New York and London: Routledge.
- Montgomery, M. (2007), *The Discourse of Broadcast News*, New York and London: Routledge.
- Ryan, M. (2010), *Cultural Studies*, Wiley Blackwell.
- Morley, D (1980), *The Nationwide Audience*, London, British Film Institute.
- Hobson, D (1982), *Crosriad*, The drama of s soap opera, London: methun.